



خیلواکی

استقلال

www.esteqalaal.net

۳۱ جولای، ۲۰۲۴

ملالی موسی نظام

به جواب انتقاد صرف و نحویی آقای نجیب سخی این انتقاد سر درازی در تبعیض و تفرقه ملی دارد

دو سال قبل آقای «نجیب سخی» که سابقه همکاری قلمی در گذشته با یکی دو وبسایت افغانی هم داشت و گویا بعد ها بدلائل خاصی صرف با «استقلال خیلواکی» این رشته را ادامه میداد، با اتکا به عقاید تبعیض طلبانه مضمونی برای نشر ارسال نمود که البته از جانب این تشکیل ملی، این شاگرد جوابی برای رد افکار نامبرده و تحریف حقایق تاریخی افغانستان ارائه نمود.

زمانیکه روش و اصول پذیرش باور های نویسندگان در یک سایت انترنتی ملی افغانی واضح میگردد، آنانیکه در مسایل ملی و وحدت مردم افغانستان راه متفاوتی را انتخاب نموده اند، نباید که مزاحمت نشر مطالب شان را برای تحریف افکار نسل های ما بوجود آورند.

نویسنده مذکور ادعا داشت که بعد از تشکیل هند برتانوی، شاهان و مردم افغانستان در حقیقت وابسته و سرسپرده آن ابر قدرت بوده و البته که وی بر مبارزات ملی و جنگ های پیروزمندانه اول و دوم مجاهدین افغان و شکست آن ابر قدرت، خط بطلان کشیده و از آن هم فراتر رفته و نه تنها از تشکیل افغانستان نوین ذریعه دولت احمد شاهی انکار میورزید، بلکه ادعا داشت که اسم مقدس «افغانستان» هم ذریعه اولیای امور برتانیه آن عصر بر سرزمین افغان ها نصب «؟!» گردیده است. پناه بر خدا!! یکی از زمینه های تسکین روانی آقای «نجیب سخی» در چنان نوشته هایی اینست که نیمی از ملت افغانستان را «مردمان قبیله» قلمداد نماید. این اختراع نا روا مغایر تمام ارزش های حقوقی ای است که ملت سربلند افغانستان در پناه وحدت ملی و تمامیت ارضی خود ها به آن افتخار می نمایند.

مطلبی که اخیراً آقای «نجیب سخی» مستقیماً بر این شاگرد تاخته است، ضمیمه سطور متفاوتی برای خوانندگان محترم ما پیشکش می گردد، تا سیه روی شود آنکه درو غش باشد.

بعد از یک وقفه نزدیک به دو سال، ایمیلی به وبسایت ارسال گردید که گویا آقای «نجیب سخی» با وعده ارسال مضامین غیر سیاسی و غیر تاریخی «؟!»، مثلاً مطلبی در مورد موسیقی «*» را

پیشکش مینمود. درین ایمیل به وضاحت تذکر داده بود که به موضوعات «قبیله ما» تماس نمیگرد. الهی خیر!! البته با چنین اشاره ای پذیرفتن نامبرده به منزله «آزموده را آزمودن خطا بود»، ولی هیئت تحریر «استقلال خپلواکی» خواست چانس دیگری به آقای «نجیب سخی» ارزانی نماید، غافل ازینکه وی با روش دیگری در جستجوی یگان «پای گنجشک» برای همان اصول و رفتار غیر ملی و افترا و تهمت بود. حال بهتر است بر مطلب انتقادی آقای سخی نظری بیندازیم:

بتاریخ ۲۷ جولای خوانندگان ما انتقادی از آقای «نجیب سخی» را تحت عنوان «تحریف و سفسطه سایی مزمن رویداد های تاریخی... و مشکل انشائی» درین وبسایت ملی مطالعه نموده اند. وی مینویسد که: " هفته قبل تحت عنوان « تحریف و سفسطه سرایی مزمن در رویداد های تاریخ افغانستان» نوشته ئی «نوشته ای - پای وحدت» در سایت وزین استقلال خپلواکی به چشم ام «به چشم» خورد؛ چون درین عنوان به مشکل انشائی برخوردیم «،» از مطالعه «مطالعه» متن آن پرهیز نمودم".

حال، خوانندگان ارجمند، ملاحظه فرمایند که هموطن بهانه گیر ما که گمان میبرد که پساوند «ی- سرایی» چون به زعم وی غلط بوده، از مطالعه محتویات متن کاملاً منصرف می گردد؟! فراموش نشود که مقالات آقای «نجیب سخی» از نظر اصول تحریر ادب دری، دایم مملو از اغلاط گوناگون صرف و نحوی و علامت گذاری های مهم و اساسی بوده است. چون پالیسی نشراتی «استقلال خپلواکی» هم به اساس همان روش مرحوم «ولی احمد نوری» که مطالب بی نقص و غلطی را برای آموزش هموطنان ما در وبسایت های افغان جرمن و آریانا افغانستان واجب و ضروری میپنداشت، ایجاب اصلاح و اِدت همه مضامین را قبل از نشر مینماید. با ایفای چنین وظیفه ای، بار ها آقای «نجیب سخی» ایمیل های تعرض آمیز برای وبسایت ارسال داشته است که نوشته های وی نباید «؟!» دست بخورد، مخصوصاً ذریعه پیروان فارسی ایرانی «؟!» یا الله!! این نقض اصول مطبوعاتی در این وبسایت ایجاب مینماید تا مطالب بدون اصلاح آنلاین نگردد.

حال، ادامه میدهم... جای دیگری آقای «نجیب سخی» میفرماید: " در حقیقت غلطی املائی «املائی» یک متن میتواند اشتباه تلقی گردد و قابل بخشایش است؛ اما «در» غلطی انشائی «انشایی که» از کمبود بنیادی و کوتاهی سطح و سواد ما نمایندگی میکند؛ «،» نمیتوان مسامحه نمود".

گرچه آقای «نجیب سخی» با خصلت سفسطه سرایی هایی که معلوم نیست چه میخواستہ بیان نماید، به سراغ ۱۷ نوع «ی» هم میرود؛ ولی این هیچمدان در جستجوی لغت نامه های فضای مجازی،

هیچ نوع غلطی ای در استعمال «سرایی» نیافت و آیا از نگاه علم صرف و نحو دری، حرف یا کلمه ای در یک جمله به املاء وابسته میباشد یا نه؟ مگر این مجموع استعمال لغات و کلمات در یک جمله نیست که مربوط انشاء میگردد؟ پس چرا استعمال یک حرف یا کلمه را به انشاء وابسته دانست، نه به املاء؟ البته عقده گشایی و سفسطه سرایی به ذات خود جزئی از عادات بشر می تواند باشد، که هست!

چون انسان واجب الخطا است، به ارتباط استعمال «سفسطه سرایی»، به سراغ دو شخصیت مطبوعاتی و خبرگان ادب دری که دوستان عالی قدر من هستند، رفتم و نظر شان را جویا گردیدم، هر دو بصورت جداگانه اطمینان دادند که هیچ خطایی در استعمال کلمه «سرایی» در املاء، انشاء و مفهوم جمله مورد بحث موجود نمیشود. بر قسمتی از ایمیل یکی از آن دوستان خبره روشنی می اندازیم:

(" نوشته "نجیب سخی" را سه بار خواندم و نفهمیدم، که مشکل او در کجاست؟؟

ترکیب "سفسطه سرایی/سفسطه سرایی" یک ترکیب کاملاً مشروع و قابل استعمال است و در پهلوی "سفسطه گوئی" و "سفسطه بافی" به کار برده شده میتواند. من شخصاً با اندوخته اندکم در "زبان دری"، هیچ ایراد و مشکلی درین ترکیب نمیبینم و این، که آقای "نجیب سخی" از روی "سخاوت ذاتی"، آن را "مشکل انشائی" میدانند، برایم واقعاً غیر قابل فهم است!! طوری، که میبینم، او هنوز مفهوم "املاء" و "انشاء" را درست درک نکرده است. اگر من این دو مقوله را مختصراً و به زبان و برداشت خودم تعریف کنم:

– "املاء" عبارت از "درست نوشتن کلمات" است

– و "انشاء" هم عبارت است از "درست نوشتن جملات"

بدین حساب اگر احياناً مشکلی در ترکیب "سفسطه سرایی/سفسطه سرایی" وجود داشته باشد – که به هیچ صورت وجود ندارد!! – باید آن را در ذیل "مشکلات املائی" قلمداد کنیم؛ نه "مشکلات انشائی"!!

البته این هیچمدان که در پله اول دانش و معرفت قرار دارم، هرگز ادعای فضل و دانش را ننموده و اصراری هم درین زمینه نمیتوانم داشته باشم.

باری، آقای «نجیب سخی» مینویسد: "من تقریباً مطمئن هستم که شخصی مانند نویسنده «نویسنده» مضمون در مورد تاریخ، اخلاق، مذهب و فلسفه «فلسفه» جامعه ما ید طولانی دارد؛ در مورد زبان این ملت نیز اندوخته و ذخیره کامل باید داشته باشد، که «باشد که» ذریعه «ذریعه» این اندیشه و دانش «» دیگران را کمک و رهنمایی «رهنمایی» کند؛ «»، تا املاء و انشای زبان اجدادی را با

تقلید از ایرانی ها عملی و اجرا نکند. «» زیرا نمیشود که در مورد حال و گذشته جامعه و ملتی صحبت کنیم؛ «» اما زبان او «آترا» را دقیق ندانیم؟؟ «.»".

در سطور بالا مشاهده مینماییم که آقای «نجیب سخی» بندگان خدا را به آموزش و دسترسی «کامل» به یک لسان توصیه می نماید، در حالیکه به وسعت هر علمی وامکانات و انکشافات لایتنهای آن، بشر بینوا هرگز و به هیچ وجهی قادر به فراگیری «کامل» نخواهد بود! حال میرویم به سراغ استعمال زبان اجدادی به روش ایرانی ها. ادعای پیروی این قلم از نحوه تحریر ایرانی ها، از دو حال خالی نیست:

یا آقای «نجیب سخی» در زمره آن بندگان است که به گفته شاعر: آنان که ندانند و ندانند که ندانند، و یا اینکه نیک میداند که این هیچمدان عمریست که علم مخالفت بر علیه عمال وابسته به ایران و فرهنگستان سخیف آخوند های مزوری که دری اصیل افغانستان را ذریعه لغات و اصطلاحات غیر ضروری و نا مأنوس، مورد تاخت و تاز و تجاوز فرهنگی قرار داده اند، بلند نموده ام و بیشتر از صد مطلب و مضمون درین زمینه در جامعه انترنتی افغانی منتشر شده و موجود است.

پس وی که در سطور بالا به زعم خود اینجانب را به تربیت فرهنگی رهنمونی می نماید، معلوم میشود که برخی از آن مبارزات بر علیه تجاوز فرهنگی ایران را که جزئی از پالیسی این وبسایت ملی هم هست، مطالعه نموده است. افترا هم دل و جرئت می خواهد.

برای مطالعه مطالب وابسته به وحدت ملی و تبعیض اقوام افغانستان، لطفاً بر لینک های ذیل کلیک نموده ممنون سازید:

ملالی موسی نظام از مطلب پشتون ها و پاکستان چه می آموزیم

این مبحث در همین جا به پایان میرسد و برعکس، طوریکه آقای «نجیب سخی» در نظر دارد، ادامه ای نخواهد داشت. وبسایت استقلال خپلواکی میدان جدال بیهوده سفسطه سرایان قرار نمیگیرد.

«*» - در مورد مطلب طویل، مغلق و نا مأنوسی به عنوان «نظریه موسیقایی» که در مورد موسیقی به قلم آقای «نجیب سخی» در استقلال منتشر میگردد لغت نامه های انترنتی چنین معلومات میدهند:

۱ - از آنجا که «موسیقایی» از دوران قدیم در فارسی جا افتاده و رایج بوده است، بهتر است به همین شکل تلفظ و نوشته شود. افزون بر این، تلفظ و املا «موسیقایی» خالی از تکلف و دشواری نیست.

۲ - "واژه موسیقایی" اشتباه است و درست آن "موسیقایی" می باشد. لطفاً جابجا فرمایید. سپاس.